

دچار کوررنگی اخلاقی نشویم

(درنگی در حادثه میدان کاج)

منبع: روزنامه شرق، صفحه اندیشه، روز یکشنبه، مورخ: ۱۴/۹/۱۹

۱. خبر تکان‌دهنده بود و بهت آور: جوانی در محله سعادت‌آباد شهر تهران در یک نزاع عشقی با سلاح سرد به جان رقیب افتاد و او را نیمه‌جان کرد؛ سپس در حالیکه جوان نیمه‌جان از درد به خود می‌پیچید و فریاد می‌کشید و طلب کمک می‌کرد، جوان ضارب مانع از نزدیک شدن مردم و تنی چند از پرسنل نیروی انتظامی شد که در صحنه حضور داشتند و نظاره‌گر ماجرا بودند. این دقائق دلخراش و طاقت‌فرسا آنقدر ادامه یافت تا جوان نیمه‌جان قالب تهی کرد و روی در نقاب خاک کشید. درعین حال آنگونه که در اخبار آمده بود، برخی از کسانی که در صحنه فاجعه حضور داشتند، در آن لحظات جانکاه و بحرانی مشغول تهیه عکس و فیلم بودند. جا دارد از زوایای گوناگون حقوقی، قضایی، امنیتی، جامعه‌شناختی، روانشناختی... به این حادثه هولناک پرداخته شود و آثار و نتایج مترتب بر آن مورد ارزیابی قرار گیرد. در این یادداشت می‌کوشم صرفاً از منظر اخلاقی به آنچه رخ داده بنگرم و نکته‌ای را پیرامون آن متذکر شوم.

۲. برخی از متخصصین اخلاق گفته‌اند که بدتر و تأسف‌بارتر از نفسِ اعمالِ قبیح و ناروایی که از فاعلان اخلاقی در جوامع انسانی به کرات سر می‌زند، فرو ریختن قبح این اعمال و عادی شدن ارتکاب بدان‌هاست. بخاطر داشته باشیم که انسان حیوان اخلاقی است و تفاوت چشم‌گیر او با حیوانات نه در خوردن و خوابیدن و گشنی کردن که پروای دیگران را داشتن و در تنظیم مناسبات و روابط خویش با سایرین از نُرْم‌ها و قواعدی چند تبعیت کردن است. "حساسیت اخلاقی" داشتن نیز از مقومات و مؤلفه‌های زیستن اخلاقی و انسانی است. حساس بودن در قبال نُرْم‌شکنی‌ها و واکنش نشان دادن به رفتارها و کنش‌هایی که عقل سلیم بدون تردید آنها را محکوم می‌کند و از آنها تبری می‌جوید، از مقتضیات "حساسیت اخلاقی" داشتن است. بی‌تفاوت بودن در برابر چنین رفتارهای نابهنجار و غیراخلاقی زمینه را برای بروز و ظهور رفتارهایی نظیر آن در آینده به وسیله سایرین هموار می‌کند. عدم حساسیت اخلاقی و بی‌تفاوتی پیشه کردن از بلایایی عظیمی است که می‌تواند گریبانگیر یک جامعه شود. موجود گوشت و پوست و خون‌داری نظیر من هنگامی انسان قلمداد می‌شود که دغدغه و حساسیت اخلاقی داشته باشد و در برابر اعمالی که متضمن خوار داشت و آزار و اذیت آشکار سایر انسان‌ها و تخفیف و ویرانی مناسبات اخلاقی در جامعه، است غیرت بورزد و واکنشی نشان دهد. با مد نظر قرار دادن این ملاحظه، درباره کسانی که در حادثه‌ای که ذکر آن رفت، مشغول تهیه عکس و فیلم بودند و یا صرفاً نظاره‌گر بودند، چه باید گفت و چگونه قضاوت کرد؟ ممکن است گفته شود، جوان ضارب حالت طبیعی نداشته و یکپارچه خشم و بغض و کینه بوده، بطوریکه اگر کسی به او نزدیک می‌شد، به احتمال قوی او نیز از پای درمی‌آمد؛ پس عقلاً و اخلاقاً نمی‌توان درگیر نشدن ایشان با

ضارب جوان را تقيح کرد. اما مگر تنها واکنش ممکن در این میان در گیر شدن مستقیم با ضارب بود؛ می شد کسانی دیگری را خبر کرد؛ با دیگر مراکز نیروی انتظامی تماس گرفت؛ با داد و فریاد توجه سایر رهگذران را به خود جلب کرد تا افراد بیشتری به جمعیت می پیوستند؛ تمهیدی اندیشیده می شد تا مثلاً بیست نفر به طور همزمان به سمت ضارب حمله ور می شدند و جوان نیمه جان را نجات می دادند ... به هر صورت، مسلماً واکنش هایی از سنخ واکنش های فوق موجه تر و رهگشای تر از بی تحرکی پیشه کردن و تماشا کردن و عکس و فیلم گرفتن بود؛ ولو اینکه نتیجه چندانی به همراه نداشت؛ چراکه از «حساسیت اخلاقی» انسانهایی پرده می گرفت که در گوشه و کنار این شهر می زیند؛ انسانهایی که وجدان اخلاقی بیداری دارند که در موعد مقتضی شعله ور و طنین انداز می شود.

۳. می دانیم که برخی از انسان ها کوررنگند و خیلی از رنگ ها را تشخیص نمی دهند و تفاوتی میان خاکستری و بنفش و قرمز و سبز و سفید و قهوه ای قائل نیستند. دچار کوری اخلاقی شدن و در برابر اعمال قبیح و ناروایی تفاوت شدن و زشتی آنها را تشخیص ندادن که هم عنان با از میان رخت بر بستن حساسیت اخلاقی در یک جامعه انسانی است، به مراتب بدتر و رقت انگیزتر است. با یادآوری مکرر اهمیت «حساسیت اخلاقی» جهت پی افکنی مناسبات انسانی اخلاقی، بکوشیم تا بیماری کوری اخلاقی در میان ما لانه نکند و فراگیر نشود.